

سایه نثر قاجار بر شیوه نگارش فارسی امروز

احمد خاتمی

استاد دانشگاه شهید بهشتی

مژگان اصغری طرقي

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی

(از ص ۲۱ تا ۴۳)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۲

چکیده

در این پژوهش، چهار متن را از میان نثرهای قاجار بدین شرح برگزیده‌ایم: *ناسخ‌التواریخ* اثر محمدتقی لسان‌الملک سپهر، *مسالك المحسنين* اثر عبدالرحیم تبریزی، *مجمع‌الفصحا* اثر رضاقلی‌خان هدایت و *هزار و یک شب* ترجمه عبداللطیف تسوجی تبریزی. سپس در آنها مهم‌ترین اشکال‌های نگارشی و ویرایشی را در حوزه‌های فعل، نشانه‌های جمع، واژه‌ها و ترکیبات، قید، حروف، مصدر، صفت بررسی کرده‌ایم و ادامه آنها را در نثر فارسی امروز نشان داده‌ایم. در پایان، مهم‌ترین مشکلات نگارشی نثر قاجار و ادامه آنها را در نثر فارسی امروز در حوزه‌های یادشده دسته‌بندی کرده‌ایم. فرضیه تحقیق آن است که نثر دوران قاجار، در عین ارزشمندی، مشکلات نگارشی و ویرایشی درخور توجهی دارد و ادامه این مسائل را در نثر فارسی امروز نیز به روشنی می‌توان دید. هدف ما از این پژوهش، آن است که مشکلات نگارشی و ویرایشی را در نثر فارسی امروز، ریشه‌یابی و نویسندگان را متوجه آنها کنیم تا اجازه ندهند این مسائل به نوشته‌هایشان راه یابد.

واژه‌های کلیدی: نثر قاجار، سبک‌شناسی، نگارش، ویرایش.

۱. مقدمه

زبان شیرین و استوار فارسی، پیشینه‌ای کهن دارد و در طول هزار و چند صد سال، آثار بی‌شماری بدان نگاشته شده است؛ بنابراین، حفظ شکل درست آن بر تمام نویسندگان در حوزه‌ها و سطوح علمی مختلف واجب است و در درجه نخست، از نویسندگان متون علمی و دانشگاهی، و پس از آن، از دیگر نویسندگان انتظار می‌رود در نوشته‌هایشان دقت کنند تا به این زبان کهن آسیب نرسد.

در مقاله حاضر کوشیده‌ایم تا برخی اشکال‌های نگارشی و ویرایشی فاحش در نثر امروز را ریشه‌یابی کنیم و نویسندگان را به آنها توجه دهیم.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده درباره نثر دوره قاجار نشان می‌دهد که بیشتر توجه محققان در این حوزه، به جنبه‌های جامعه‌شناختی نثر در معنای عام آن معطوف بوده و پژوهش‌های صورت گرفته درباره سبک نثر این دوره بسیار محدود است. از سوی دیگر، درباره موضوع مورد بحث در این مقاله - یعنی تأثیرگذاری نثر قاجار بر شیوه نگارش فارسی امروز و به عبارت دیگر، ریشه‌یابی اشکال‌های نگارشی نثر فارسی امروز در نثر دوره قاجار - پژوهشی صورت نگرفته است؛ حال آنکه پرداختن به این موضوع، بسیار ضروری به نظر می‌رسد و با ریشه‌یابی مشکلات عمده نگارشی و ویرایشی در نثر فارسی امروز، و توجه دادن نویسندگان به آنها می‌توانیم به میزان زیادی، در اصلاح نثر فارسی بکوشیم.

به طور کلی، پژوهش‌های مرتبط با موضوع مورد بحث ما دو نوع‌اند: یکی درباره نگارش و ویرایش؛ دیگری درباره نثر دوران قاجار.

امروزه در حوزه ویرایش و نگارش، آثار بسیار زیادی نوشته شده که مهم‌ترین آنها بدین شرح است:

- غلط نویسیم از ابوالحسن نجفی (۱۳۸۹): در این کتاب که به صورت فرهنگ است، دشواری‌ها و مسائل مهم ویرایشی و نگارشی زبان فارسی، به شکل الفبایی، مرتب و درباره آنها صحبت شده است.

- راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی از دکتر حسن ذوالفقاری (۱۳۸۷): در این کتاب، درباره مسائل حوزه ویرایش فنی و ساختاری، به تفصیل سخن گفته شده و در پایان، مطالبی بسیار مهم و ارزنده درباره مستندسازی، معادل‌های فارسی برخی واژه‌ها و نیز کتاب‌شناسی ویرایش به دست داده شده است.

- راهنمای ویرایش از دکتر غلام‌حسین غلام‌حسین‌زاده (۱۳۸۶): در این کتاب، درباره ویرایش فنی و مسائل ظاهری در نوشته‌ها به تفصیل سخن گفته شده است.

- دستور خط فارسی اثر فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۴): در این کتاب کم‌حجم، درباره ویرایش فنی و ظاهر نوشته سخن گفته شده و رسم‌خط مصوّب فرهنگستان، به دست داده شده است. نویسندگان با رعایت این اصول می‌توانند نوشته‌هایی با رسم‌خط منظم و یک‌دست عرضه کنند.

- از دیگر منابع این حوزه، می‌توان کتاب‌های نگارش و ویرایش از احمد سمیعی (۱۳۸۳)، در مکتب/ استاد از سعید نفیسی (۱۳۴۴)، فرهنگ درست‌نویسی از حسن انوری (۱۳۴۵)، ویرایش زبانی: برای زبان نوشتاری فارسی/ امروز از غلام‌رضا ارژنگ (۱۳۸۹)، مبانی درست‌نویسی زبان فارسی معیار از ناصر نیکوبخت (۱۳۸۵) را نام برد. پژوهش‌های انجام‌شده درباره نثر قاجار عبارت‌اند از:

- رساله دکتری با عنوان «سیمای جامعه در نثر دوره قاجار» اثر فریده سنایی (۱۳۸۵): این رساله با رویکرد اجتماعی - سیاسی در معنای عام و بر پایه نثرهای این دوره نوشته شده است.

- رساله دکتری با عنوان «تحول نثر فارسی در دوره قاجار» اثر فرانک جهان‌گرد (۱۳۸۴): در این رساله، درباره نثر و نثرنویسان و جریان‌های ادبی مهم در این دوره سخن گفته شده است.

- مقاله با عنوان «بازتاب جایگاه اجتماعی زن عصر قاجار در نثر آن دوره» اثر فریده سنایی (۱۳۸۶): رویکرد این مقاله، بررسی نثرها به لحاظ محتوایی و اجتماعی است.

- مقاله با عنوان «بررسی ویژگی‌های نثر دوره قاجار».

- کتاب سفر دانه به گل: سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۰

ق). اثر مریم عاملی (۱۳۸۸): در این اثر، نثر از منظر جایگاه زن در جامعه بررسی شده و

به همین دلیل در حوزه جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد.

- مقاله با عنوان «سیری در عصر قاجار و تحول نثر فارسی» از کامران پارسی‌نژاد (۱۳۸۰).

- کتاب با عنوان سیری در نثر فارسی از آغاز تا دوران قاجار اثر محمدرضا حاج‌بابایی (۱۳۸۶).

- علاوه بر اینها، مرحوم بهار در کتاب ارزشمند سبک‌شناسی: تاریخ تطوّر نثر فارسی، ویژگی‌های سبکی نثر دوران قاجار را برشمرده و مهم‌ترین نثرنویسان این دوره و آثار آنها را به اختصار معرفی کرده است (بهار، ۱۳۸۵: ۴۳۲-۴۵۶).

۳. فرضیه

فرضیه پژوهش حاضر، آن است که نثر دوران قاجار، در عین ارزشمندی، مشکلات نگارشی و ویرایشی درخور توجهی دارد که ادامه آن را در نثر فارسی امروز نیز به روشنی می‌توان دید.

دوران حکومت قاجاریان بر ایران، از جهت آفرینش آثار منشور و منظوم، بسیار پربار است. در این عصر، آثار منشور متعددی در حوزه‌های گوناگون تاریخ، تذکره، سفرنامه، ترجمه، نمایشنامه، روزنامه، داستان و... نگاشته شده (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ج ۱ و ۲) که در نوع خود بسیار ارزشمند و کم‌نظیرند و گاه نقطه شروعی برای پدیدآمدن آثاری از نوع خود محسوب می‌شوند.

در این پژوهش، از دیدگاهی متفاوت به آثار منشور این دوره نگریسته و آنها را از جهت نگارش و ویرایش بررسی کرده‌ایم. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که متون نثر دوره قاجار، برخلاف ارزش علمی و گاه ادبی‌شان، از جهت ویرایشی، اشکال‌هایی بسیار فاحش و اغماض‌ناپذیر دارند که ادامه آنها را می‌توان در نثر فارسی امروز، به روشنی مشاهده کرد؛ البته تأکید می‌کنیم که این بررسی فقط از دیدگاه ویرایش و زبان آثار منشور این دوره انجام شده و به هیچ وجه، قصد ما کم‌ارزش شمردن نثر پربار قاجار نیست.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای - فیش‌برداری انجام شده است. برای تهیه نمونه‌ها، نخست چهار نمونه از متون منشور عصر قاجار را از چهار حوزه پربار در این دوران برگزیدیم: *ناسخ‌التواریخ* اثر محمدتقی لسان‌الملک سپهر (حوزه متون تاریخی)، *مسالك‌المحسنين* اثر عبدالرحیم تبریزی (حوزه سفرنامه‌نویسی)، *مجمع‌الفصحا* اثر رضاقلی‌خان هدایت (حوزه تذکره)، *هزار و یک شب* ترجمه عبداللطیف تسوجی تبریزی (حوزه ترجمه). سپس هر یک از آثار را از جهت ویرایش و نگارش، بررسی و نکات لازم را از آنها استخراج کردیم. سرانجام، نمونه‌هایی را از نثر فارسی امروز به دست دادیم که ادامه کاربردهای نادرست عصر قاجار به شمار می‌روند.

این بررسی به صورت کاملاً تصادفی انجام شده و در انتخاب نمونه‌ها و بررسی بخش‌های گوناگونشان، هیچ‌گونه پیش‌داوری وجود نداشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این اشکال‌های ویرایشی و نگارشی، در تمام متون نثر این دوره وجود دارد و می‌توان آنها را از ویژگی‌های سبکی نثر این دوران شمرد.

۵. هدف پژوهش

از آنجاکه خیلی از مشکلات نگارشی و ویرایشی فارسی امروز، در نثر قاجار ریشه دارد، هدف ما از نگارش این مقاله، آن است که این اشکال‌ها را ریشه‌یابی و نویسندگان امروز را متوجه آنها کنیم تا این مسائل را در نثرشان تکرار نکنند.

۶. اشکال‌های نگارشی در نثر قاجار

در این بخش می‌کوشیم برخی مشکلات عمده نگارشی و ویرایشی را - که کمابیش در تمام متون منشور عصر قاجار دیده می‌شوند و از این رهگذر، به زبان فارسی امروز راه یافته‌اند - با ذکر نمونه‌هایی از چهار متن منتخب نشان دهیم و مشابه آن را در نثر فارسی امروز، با ذکر نمونه‌هایی مشخص کنیم. گفتنی است تمام نثرهای قاجار از جهت نگارش کاملاً یک‌سان نیستند، ولی این مسائل را کمابیش در همه آنها می‌توان دید.

نکته مهم دیگر، آن است که برخی کاربردهای نادرست را می‌توان در حوزه‌های زبان‌شناسی، سبک‌شناسی و... تحلیل کرد؛ برای مثال، کاربرد وجه وصفی، شاید ناشی از

تأثیر زبان گفتاری دوران مورد بحث ما باشد، ولی به هر حال، وقتی بتوان کاربردی را با استفاده از دلایل دستوری و زبان‌شناختی رد کرد، اشتباه بودن آن توجیه می‌شود و ویژگی سبکی بودن، دلیل مناسبی برای پیروی از یک شیوه نادرست نیست. مهم‌ترین اشکال‌های نگارشی و ویرایشی شاخص در نثر قاجار - که به زبان فارسی امروز راه یافته‌اند - بدین شرح است:

۱-۶. کاربردهای نادرست در حوزه فعل

بررسی نثرهای دوران قاجار نشان می‌دهد که مهم‌ترین و متنوع‌ترین اشکال‌های نگارشی در نثر این دوران، در حوزه فعل روی داده است. در این بخش، موارد کاربرد نادرست فعل را در نثر قاجار بررسی می‌کنیم و ادامه آنها را در نثر فارسی امروز نشان می‌دهیم.

۱-۱-۶. فاصله افتادن میان اجزای تشکیل‌دهنده فعل مرکب

فعل مرکب، آن است که از یک اسم یا صفت و یک فعل ساده (همکرد فعلی) ساخته شده باشد. در نثر قاجار، نمونه‌های بسیاری وجود دارد که در آنها میان اجزای این‌گونه فعل فاصله افتاده است؛ چند مثال:

- کسب کمالات نموده (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۷۵/۱).
 - اشارتی به این کار نکرده‌اند (هدایت، ۱۳۸۲: ۹۷۲/۲).
 - ما را مجبور به ترک وطن می‌نمایند (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۵۶).
 - تجزیه زهر مار را مکرر کرده‌اند (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۵۷).
 - بانگ به کوبنده در بزدند (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۱۳۳/۲).
 - منوچهر خان معتمدالدوله مراجعت از فارس کرده (سپهر، ۱۳۷۷: ۶۵۷/۲).
 - خواست دیگرباره او را حاضر شیراز کند (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۰۹۲/۳).
- به طور کلی، اجزای سازنده فعل مرکب نباید از هم دور باشد (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۴۹-۲۵۰)؛ زیرا در صورت فاصله افتادن میان اجزای این‌گونه فعل، مخاطب هنگام درک ارتباط میان عناصر سازنده جمله، دچار اشکال می‌شود. همچنین فاصله انداختن میان اجزای تشکیل‌دهنده فعل مرکب، گاه سبب کاربرد نادرست نشانه مفعول «را» و استفاده نامناسب از برخی همکردهای فعلی می‌شود^(۱)؛ بنابراین باید تاجایی که ممکن است، نباید

اجزای سازنده فعل مرکب را از هم دور کنیم. نمونه کاربرد نادرست نشانه مفعول و همکرد فعلی در نتیجه فاصله افتادن میان اجزای فعل مرکب:

- هر دوی آنها تلاش برای به دست آوردن و نگهداری کیمیا را دارند (سمعی، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

در این جمله، فعل مرکب «تلاش دارند» نادرست است و به جای آن باید گفت «تلاش می کنند» یا «می کوشند». دوری اجزای فعل مرکب سبب شده است نشانه مفعول «را» به شکل نامناسب و کاملاً زاید به کار رود. شکل درست جمله بدین صورت است:

- هر دوی آنها برای به دست آوردن و نگهداری کیمیا تلاش می کنند/ می کوشند.
نمونه های دیگری برای جدایی اجزای فعل مرکب در نثر فارسی امروز:
- رسیدن به اهداف عالی، بستگی به عواملی نظیر امکانات، تلاش مستمر و هوش دارد (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

- اما به هر حال، احتمال «عامل بازدارنده خارجی» بودن را به هر چیزی که امکان جلوگیری از توسعه یافتگی کشور در او باشد، باید داد (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۵۰).

۶-۱-۲. حذف همکردهای فعلی و فعل های ربطی و معین و تام بدون قرینه

در نثر قاجار، حذف بدون قانون تمام یا بخشی از انواع فعل، بسیار زیاد است؛ چند مثال:
- آخر می خواهم بدانم پدر شما وزیر [بود]^(۳)، شما چرا به آسیابانی قناعت کردید؟ (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۸۸-۱۸۹).

- تفاوت شما با آن حشر جهال که از دگان صراف و بقال برخاسته [اند] و فعال هستند، چه می شود؟ (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۹۰).

- اگر بگوییم اصالت و نجابت مرده، پیداست که اسافل و اراذل، صاحب امتیاز و القاب و شئونات گردیده [اند] (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۷۷).

- در منطقه بارده، اراضی، شش ماه زیر برف و یخ مستور [بود]، سبزه و فواکه یک جا معدوم [بود]، اهالی محتاج لباس گرم و پوشش های دراز پشم [بودند] (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۴۷).

- آن گوهری از کید زنان غافل [بود] و گفته شاعر نخوانده بود (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۴۷).

۲/۲۲۳۸.

- کس، او را نصرت نتوانست [کرد] (سپهر، ۱۳۷۷: ۳۱۰/۱).
- بعضی مقتول [شدند] و برخی به شکی گریختند (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۵۸/۱).
- از کرده پشیمان [شده] و چاره کار را به اطاعت شاهزاده دانسته (سپهر، ۱۳۷۷: ۲۴۹/۱).
- به سلامت مانند و یکدیگر را آسیب نتوانند [رساند] (سپهر، ۱۳۷۷: ۹۳۱/۲).
- وقتی به ملأبارانی ملقب [بود] و زمانی ملأمحمد نام داشت (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۱۲/۱).
- به طور کلی، برای حذف تمام یا بخشی از فعل باید قرینه‌ای لفظی یا معنوی داشته باشیم (نجفی، «حذف فعل»؛ بدین شرح که وقتی فعل دو جمله هم‌پایه، از یک بن باشند، آن فعل تکرار نمی‌شود و در جمله اول یا دوم، به قرینه حذف می‌شود؛ مثل: من در دانشگاه تهران درس می‌خوانم و برادرم در دانشگاه اصفهان [درس می‌خواند]. همچنین اگر فعل دو جمله، با فعل معین مشترکی صرف شده باشد، می‌توان فعل معین جمله اول را به قرینه فعل معین در جمله دوم حذف کرد؛ مثل: من به شیراز رفته‌ام] و تخت جمشید را دیده‌ام.
- گاه نیز فعل معین، به قرینه معنوی حذف می‌شود؛ مثل: برادرم دیروز به مشهد رفته [است].
- در فعل‌های مرکب نیز می‌توان عنصر اسمی یا همکرد فعلی را به قرینه لفظی حذف کرد؛ مثل:
- او سوگند خورد، ولی من [سوگند] نخوردم.
- او دشمنان را خوشحال [کرد] و دوستان را آزرد.
- در هر حال، اگر جمله‌ها طولانی باشند، بهتر است عنصر اسمی یا همکرد فعلی سازنده فعل مرکب را به قرینه لفظی حذف نکنیم، چون قرینه از عنصر حذف‌شده دور می‌شود و پیدا کردن آن برای مخاطب دشوار است.
- در نثر فارسی امروز، حذف بدون قرینه تمام یا بخشی از فعل، بسیار رایج و البته نادرست است؛ مثل:
- باید دیدگاه خود را مطرح [کنیم] و به تبادل نظر بپردازیم.

- این کتاب به فارسی نوشته [شده] و بارها به چاپ رسیده است.
- این خانه بسیار کوچک [است] و برای خانواده‌های چندنفره مناسب نیست^(۳).
- من به کارخانه وارد [شدم] و کار خود را شروع کردم.
- لطفاً در این مورد، اقدام [کنید] و نتیجه را گزارش دهید (ارژنگ، ۱۳۸۹: ۸۹-۹۱).
- مدارک را به دبیرخانه ستاد تحویل [دهید] و رسید دریافت کنید.
- باید کاغذبازی از سیستم حذف [شود] و جای آن را نظرات کارشناسی بگیرد.
- خیابان خیلی خلوت [بود] و من به تندی مسیر را طی [کردم] و راهی منزل شدم.
- سپس نخود فرنگی را اضافه [کنید] و بگذارید پنج دقیقه بپزد (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۳۷-۲۴۰).

۳-۱-۶. استفاده از فعل مرکب به جای فعل ساده معادل آن

در زبان متداول فارسی، گرایش به کاربرد فعل‌های مرکب، بیش از فعل‌های ساده و پیشوندی است؛ مثل «باز کرد» به جای «گشود» و «پس انداز کرد» به جای «اندوخت» و «مراجعت کرد» به جای «بازگشت» (سمیعی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). در نثر قاجار، این گونه کاربرد، به استفاده از واژه‌های عربی به جای واژه‌های فارسی و نیز کاربرد بسیار نادرست برخی همکردهای فعلی می‌انجامد؛ مثل:

- مسطور می‌نماید: می‌نویسد (هدایت، ۱۳۸۲: ۱/۱۰۶۳)، موزون کرد: سرود (هدایت، ۱۳۸۲: ۱/۱۵۶۸)، سلب نماید: بگیرد (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۲۷)، عود نمود: برگشت (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۲۸)، عطا فرماید: بدهد (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲/۱۹۹۴)، حدیث کن: بگو (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲/۲۱۲۴)، شرا کردم: خریدم (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲/۲۱۳۷)، مأخوذ داشته: گرفته (سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۱۰۵۰)، معاینه کردند: دیدند (سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۱۱۰۹).

نمونه‌هایی از فعل‌های مرکب در نثر فارسی امروز به قرار زیر است؛ مرقوم فرمایید: بنویسید، ملاحظه فرمایید: ببینید، مرجوع نمایید: بازگردانید، بنا کنید: بسازید.

۴-۱-۶. کاربرد نامناسب و گاه قالبی، متناقض و نادرست همکردهای فعلی سازنده فعل مرکب

این ویژگی در نثرهای دوره قاجار بسیار زیاد دیده می‌شود و از این راه، به نثر فارسی

امروز نیز رسیده است؛ نمونه‌هایی از نثر قاجار در ادامه آمده است:

ظاهر نمود (هدایت، ۱۳۸۲: ۷۲۷/۱)، تربیت نموده‌اند (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۷۶/۱)، غزل منظوم فرموده‌اند (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۰۶۳/۱)، معروض داشت (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۳۵۵/۱)، شیفته ساختی (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۵۶۷/۱)، انتشار نپذیرفت (هدایت، ۱۳۸۲: ۹۷۲/۲)، وفات یافت (هدایت، ۱۳۸۲: ۹۷۲/۲)، تقدیم نمودم (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۵)، مبذول می‌دارد (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۵۷)، تشکیل نمایند (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۸۹)، انتشار ندهد (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۸۹)، مرقوم داشته (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۹۰)، تبدیل یافت (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۷۷)، پراکنده می‌سازند (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۴۷)، مرتب می‌ساخت (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۱۳۳/۲)، اسیر خواهد نمود (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۷۰۶/۲)، رد نمود (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۹۹۳/۲)، تکذیب می‌نمود (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲۳۶/۲)، اخذ نموده (سپهر، ۱۳۷۷: ۲/۱)، ناچار ساخت (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۱۵/۱)، همراه دارد (سپهر، ۱۳۷۷: ۳۰۷/۱)، خواهش می‌نماید (سپهر، ۱۳۷۷: ۷۴۷/۲)، مراجعت فرماید (سپهر، ۱۳۷۷: ۷۸۸/۲)، آلوده... ساخت (سپهر، ۱۳۷۷: ۸۶۶/۲).

استفاده نادرست از همکردهای فعلی در نثر فارسی امروز هم معمول است و نویسندگان فکر می‌کنند از این راه، نوشته‌شان وزین و معتبر می‌شود، درحالی‌که کاربرد بیش از اندازه این مصدرها نوشته را قالبی می‌کند و از لطف و صمیمیت می‌اندازد؛ مثل:

- بسته‌ها را باز نموده [بسته‌ها باز شوند]^(۴) و به تعداد شرکت‌کنندگان تکثیر گردد.

- او تمام آنچه را که بنا کرده بود، خراب ساخت [خراب کرد] (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۴۵-۲۴۶).

- این مسئله اعتبار شما را مخدوش می‌سازد [مخدوش می‌کند].

۵-۱-۶. کاربرد بسیار گسترده و نادرست وجه (فعل) وصفی در نثر

وجه (فعل) وصفی از «بن ماضی فعل» و پسوند «ه» ساخته می‌شود. در نثرهای قاجار، این‌گونه فعل، به‌جای شکل کامل و درست فعل به کار رفته و به نثر فارسی امروز نیز رسیده است. در کاربرد نادرست وجه وصفی، دو اشکال عمده وجود دارد: یکی حذف فعل معین بدون قرینه و دیگری ناهماهنگ بودن زمان فعل‌ها؛ چند مثال از نثر قاجار:

- به خدمت شروان‌شاه خاقان کبیر منوچهر اخستان رفته رتبه عالی حاصل کرد (هدایت، ۱۳۸۲: ۷۳۲/۱).

- وی در کسب فضایل و کمالات کوشیده و باده علوم از کاسه الفاظ نوشیده و در هنر، مسلم آن عصر شد (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۳۵۵/۱).
- فرخی نزد او شده قصیده بخواند (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۵۶۷/۱).
- در سنه ۴۲۹ درگذشته از دیوان وی که زیاده از ده هزار است، انتخاب می شود (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۵۶۸/۱).
- صاحب مغازه چون مجانین، گریبان خود را چاک زده بر سر و سینه خود می کوفت (تبریزی، ۱۳۵۶: ۶۰).
- ملکه ایران خود را مسموم کرده وفات می کند (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۱۴).
- بی ناظر و مستحفظ به جان یکدیگر افتاده می درتد (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۷۶).
- آن گاه بهترین جامه ها پوشیده به نیکوترین اسبان برنشست (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۱۳۱/۲).
- پس از آن برخاسته در جزیره رفتن (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۲۹۲/۲).
- اگر پسر او در این شهر باشد، او را گرفته به سوی شهر خود باز خواهد گشت (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۷۰۶/۲).
- در حال، علی نورالدین به سوی بازار رفته توشه راه خریده به سوی کشتی بازگشت (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۹۹۵/۲).
- هدایت الله خان در شیروان اعداد کار کرده به گیلان مراجعت نمود (سپهر، ۱۳۷۷: ۵۱/۱).
- چون قصه شهریار تاجدار، فتح علی شاه قاجار به پای رفت، حدیث سلطنت ولی عهد دولت او را آغاز کرده به کتاب نخستین پیوسته می دارد (سپهر، ۱۳۷۷: ۵۹۱/۲).
- وجه وصفی - همان گونه که از نامش برمی آید - صفتی است که از ماده فعل ساخته شده است، نه فعل؛ یعنی زمان و شخص و وجه ندارد و بدین سبب، به کار بردن آن به جای فعل، نادرست است. کاربرد وجه وصفی به جای فعل، درک پیام را به تأخیر می اندازد و دشوار می کند؛ زیرا در این حالت، تعیین زمان و شخص و وجه فعل، به فعل بعدش موکول می شود و بدین ترتیب - به ویژه در پیام شفاهی - در برقراری ارتباط بموقع، اختلال ایجاد می شود (سمیعی، ۱۳۸۳: ۱۶۴-۱۴۵). بنابراین، در جمله های مرکب

هم‌پایه باید به جای وجه وصفی، از فعل کامل و متناسب با زمان و شخص و وجه فعل دیگر جمله استفاده کنیم. چند نمونه از کاربرد نادرست وجه وصفی و شکل درست آن در نثر معاصر:

- روزها به کارخانه رفته [می‌روم]^(۵) و در آنجا کار می‌کنم.
- اگر لایه اُژن سوراخ شود، آبزیان نابود شده [خواهند شد] و محصولات کشاورزی، صدمه دیده [خواهند دید]؛ می‌بینند و سرطان پوست، شایع خواهد شد.
- دانش‌آموزان به کرج رفته [رفتند] و از سدّ امیرکبیر بازدید کردند.
- او با اتوبوس به مشهد رفته [خواهد رفت]؛ می‌رود و پس از یک هفته باز خواهد گشت.

- به خانه رفته [برو] و در آنجا استراحت کن (ارژنگ، ۱۳۸۹: ۹۶-۹۹).
- مردی را به طرف خود خوانده [می‌خواند]، از او می‌پرسد: اهل کجایی؟
- هر روز بهانه‌ای را مطرح کرده [می‌کند]، او را به باد انتقاد می‌گیرد.
- وی دو چرخه را گرفته [می‌گیرد] از دست مأموران می‌گریزد (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۴۱-۲۴۲؛ نجفی، «عبارت وصفی»).

۲-۶. کاربردهای نادرست در حوزه نشانه‌های مثنوی و جمع

در نثرهای دوران قاجار، به صورتی گسترده، از جمع‌های مکسر و نشانه‌های مثنوی (ین) و جمع عربی (ات، ین، ون) حتی برای واژه‌های فارسی استفاده شده که نشان‌دهنده نفوذ گسترده زبان عربی در نثر این دوره است؛ چند مثال از کاربرد نشانه‌های جمع در نثر قاجار:

متقدّمین حکما و متکلمین (هدایت، ۱۳۸۲: ۷۲۷/۱)، معاصرین (هدایت، ۱۳۸۲: ۷۲۷/۱)، کمالات (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۷۵/۱)، آسفار (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۷۵/۱)، تواریخ و کُتب (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۷۶/۱)، تغزّلات (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۰۶۳/۱)، متأخّرين (هدایت، ۱۳۸۲: ۹۷۲/۲)، معالجات (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۱۹۸/۲)، دواب (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۸)، سبزیات (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۸)، معلّمین (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۸)، محتاجین (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۸)، دگاکین: جمع دگان (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۹)، ترشیات (تبریزی، ۱۳۵۶: ۸۸)، موائد (تبریزی، ۱۳۵۶: ۸۹)، اُلسنه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۱۴)، سایرین

(تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۳۳)، آکراد (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۵۵)، نُجبا و مبعوثین (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۸۸)، شناع و ترهات (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۹۰)، مؤدّبین (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۷۷)، مناصب (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۹۴/۲)، عزایم (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۵۵۹/۲)، امرا و وزرا و حُجّاب (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۷۰۵/۲)، مورّخین (سپهر، ۱۳۷۷: ۲/۱)، خوانین (سپهر، ۱۳۷۷: ۱/۱: ۲۷۵)، امصار (سپهر، ۱۳۷۷: ۶۲۵/۲)، دولتین ایران و روم (سپهر، ۱۳۷۷: ۶۶۷/۲)، قُری (سپهر، ۱۳۷۷: ۷۰۶/۲)، طرفین (سپهر، ۱۳۷۷: ۸۴۸/۲)، تخیلات (سپهر، ۱۳۷۷: ۸۶۴/۲).

در زبان فارسی امروز نیز به تأثیر از نثر قاجار، جمع‌های مکسر و نشانه‌های مثنی و جمع عربی - حتی برای واژه‌های فارسی - به کار می‌رود و باید از استفاده آنها پرهیز کرد؛ مثل: پیشنهادات، داوطلبین، روحانیون، اساتید، بنادر، امورات (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۲۰۳؛ نجفی، «جمع بات» و «جمع یابین و ون»).

جمع بستن واژه‌ها با نشانه‌های جمع عربی - به‌ویژه واژه‌های فارسی - به مرور ساختار دستوری زبان فارسی را دچار آشفتگی و ناتوانی می‌کند و رنگ و بوی زبان عربی به آن می‌دهد؛ بنابراین، باید در کاربرد نشانه‌های جمع، هوشیار بود و حتی واژه‌های عربی را در زبان فارسی، با نشانه‌های جمع فارسی جمع بست (ارژنگ، ۱۳۸۹: ۷۱-۷۵).

۳-۶. کاربردهای نادرست در حوزه واژه‌ها و ترکیبات و جمله‌ها

در این بخش، دو اشکال عمده در نثر قاجار دیده می‌شود و از این رهگذر، به نثر فارسی امروز نیز راه یافته است:

۳-۶-۱. حشو

در متون منشور دوران قاجار، حشو - یعنی کاربرد واژه‌ها و عبارت‌ها و حتی جمله‌های زاید - بسیار زیاد دیده می‌شود؛ چند مثال:

غبطه و رشک (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۳۵۵/۱)، متجمل و باحشمت (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۵۶۸/۱)، بیم و هراس (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۲۹۱/۲)، زراعت و حراثت (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۹۴/۲)، گریه‌کنان و مویه‌کنان (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۵۵۸/۲)، تبذیر و اسراف (سپهر، ۱۳۷۷: ۷۲۵/۲)، آلات و ادوات (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۰۳۴/۳).

- وی را در شاعری طرزی است خاصّ که خاصّه اوست (هدایت، ۱۳۸۲: ۷۳۲/۱).

- او را در همان مکان نخست که از آن مکانش ربوده بود، بگذاشت (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۹۵/۲).

به طور کلی، زبان نوشتار باید ساده و پیراسته از حشو و تکرار زاید باشد تا حالتی صمیمی تر و مؤثرتر داشته باشد. شاخ و برگ دادن بیش از حد به سخن و پیرایه بستن بر آن، سبب بروز اختلال در معنا می شود و ازدحام عناصر حشو و مترادفات، ذهن خواننده را از مراد اصلی گوینده، دور می کند (سمعی، ۱۳۸۳: ۱۷۴).

حشو در اصطلاح یعنی به کار بردن لفظ، بیش از اندازه ای که برای رساندن مفهوم، مورد نیاز است. در جمله های فارسی امروز، حشو به سه صورت دیده می شود:

الف) تکرار یا آوردن کلمه یا عبارتی که در جمله، بدان نیازی نیست؛ مانند: اسرار سَرّی، نظامیان ارتش، مفید فایده، مثمر ثمر، تهویۀ هوا، سایر تأسیسات زیربنایی دیگر، خصوصیات ویژه.

ب) تکرار اسم یا ضمیر در جمله مستقل یا پیرو؛ مانند:

- مخالفان این کشور، لطمۀ سنگینی به این کشور^(۶) زدند.

- او به بحث و جدل با نمایندگان مجلس و متقاعد کردن نمایندگان مجلس پرداخت.

- مردم برای حفظ ارزش های ملی و دفاع از ارزش های ملی تلاش کردند.

ج) حشو و تکرار و اطناب؛ مانند:

- گویا به نظر می رسد که ممکن است امشب مهمان داشته باشیم.

- ادامه روند تخریب چوب، دنبال می شود^(۷) (ارژنگ، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۳۸).

- سیر گردش امور در این اداره گُند است.

- آیا چگونه می توان رایحه بوی خوش نسیم را شنید و لذّت نبرد؟ (ذوالفقاری، ۱۳۸۷:

۱۹۸-۱۹۱).

- تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است، تا کنون پژوهشی در حوزه نقد و فهم حدیث

از منظر شیخ بهایی و موضوع هایی شبیه آن، در قالب کتاب و پایان نامه یا مقاله انجام نشده است و چنین پژوهشی مسبوق به سابقه نیست.

۶-۳-۲. استفاده زیاد از واژه‌ها، ترکیبات، عبارت‌ها و جمله‌های عربی

بسامد کاربرد واژه‌ها، ترکیبات، عبارت‌ها و جمله‌های عربی در نثر دوره قاجار زیاد است؛ چند مثال از نثر قاجار:

رَزیَن (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۰۵/۱)، مستور (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۰۶۳/۱)، مشحون و منصوب (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۰۶۳/۱)، أشعر و افصح (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۰۶۳/۱)، جلیل‌القدر (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۲۳۴/۱)، منشرح‌الصدر (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۲۳۴/۱)، دنی‌الطبع لثیم‌النفس (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۵۶۷/۱)، صائب‌التدبیر (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۵)، راقم (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۷)، قوی‌البنیة (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۸)، جدید‌التعبیه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۵۷)، بَخیره (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۷۶)، مَقالت (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۹۵/۲)، سیّاف (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۷۰۵/۲)، عجزِ اَم‌الدّواهی (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۸۹۰/۲)، قنطره (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۹۹۵/۲)، زاید‌الوصف (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲۳۶/۲)، حاشا و کَلّا (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲۳۸/۲)، ناقض عهد و فاتح نزاع (سپهر، ۱۳۷۷: ۳۵۸/۱)، دار‌الخلافة (سپهر، ۱۳۷۷: ۵۱۰/۱)، ظلّ الله فی الارضین کهف‌الاسلام والمسلمین (سپهر، ۱۳۷۷: ۸۱۶/۲)، قرّة‌العین (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۱۹۱/۳)، بیت‌الشرف (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۱۲۵/۳).

- سفره بسیار مفصل و مجلّل چیدند فیها ما تشتهی الانفس در معنی فروگسترده بود (تبریزی، ۱۳۵۶: ۸۸).

در نثر فارسی امروز نیز گاه واژه‌ها، عبارت‌ها و ترکیبات عربی بسیار زیاد به کار رفته است. بی‌تردید واژه‌های عربی سبب غنای گنجینه واژگان زبان فارسی می‌شود و پیوندی آن‌چنان عمیق میان دو زبان عربی و فارسی برقرار است که نمی‌توان تمام واژه‌های عربی را یکباره از زبان فارسی بیرون کرد و به جای آنها معادل‌های فارسی به کار برد، ولی بهتر است تاجایی که می‌توانیم واژه‌های خشن و ناهموار و نامأنوس و سنگین عربی را به کار نبریم و به جای آنها از معادل‌های رایج و جافتاده در زبان فارسی استفاده کنیم. از جمله واژه‌ها و ترکیبات عربی رایج در زبان فارسی امروز: تعویق، اختفا، استیفاء، استنکاف، ضیق وقت، ابن‌الوقت، بالاجبار، بالنسبه، بلادرنگ (ترکیب عربی و فارسی که بسیار نادرست است)، تحت‌الحمايه، حسب‌الامر، ذی‌ربط، طرفه‌العین، طویل‌المدّت، علی‌الاصول،

علی‌رغم، غیرمنتظره (ارژنگ، ۱۳۸۹: ۸۱-۸۸).

در این بخش، باید به دو نکته توجه کرد:

الف) می‌توان به‌جای خیلی از واژه‌ها و ترکیبات و عبارت‌های عربی، معادل‌های فارسی یا عربی‌های جافتاده در فارسی را به کار برد. عمق فاجعه زمانی است که ترکیباتی مانند بلادرنگ و حسب‌الفرمایش ساخته می‌شود و بدین صورت، قواعد واژه‌سازی عربی بر زبان فارسی تحمیل می‌شود. البته باید دقت کنیم که در گزینش واژه‌ها و ترکیبات و عبارت‌های فارسی به‌جای عربی، کار به سره‌نویسی و تعصب درباره زبان فارسی نینجامد.

ب) برخی از این واژه‌ها و ترکیبات، در حوزه‌هایی خاص، به صورت اصطلاح، جا افتاده‌اند - مثل مصیبت وارده، شعب‌منتخب، مسافین محترم، آیات عظام - که به‌جای اینها نیز بهتر است تاجایی که می‌توانیم از معادل‌های فارسی استفاده کنیم.

۴-۶. کاربردهای نادرست در حوزه قیدها

مهم‌ترین اشکال نثرهای قاجار در این حوزه، استفاده فراوان از قیدهای عربی - به‌ویژه از نوع تنوین‌دار - است؛ مثل:

لهذا (هدایت، ۱۳۸۲: ۷۳۲/۱)، علی‌ایّ حال (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۷۵/۱)، خلافاً بجمهور (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۰۶۳/۱)، تدریجاً (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۳۵۵/۱)، علانیه (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۳۵۵/۱)، تیمناً و تبرکاً (هدایت، ۱۳۸۲: ۹۷۲/۲)، صورتاً (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۵۵)، شخصاً، طبعاً (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۶۹)، یحتمل (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۷۸)، الغرض (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۱۳۲/۲)، لاجرم (سپهر، ۱۳۷۷: ۲۷۴/۱)، بالجملة (سپهر، ۱۳۷۷: ۳۳۹/۱)، مغافصه (سپهر، ۱۳۷۷: ۳۶۰/۱)، مع‌القصة (سپهر، ۱۳۷۷: ۵۹۲/۲)، معجلاً (سپهر، ۱۳۷۷: ۸۶۵/۲).

تنوین، خاص زبان عربی است و در زبان فارسی وجود ندارد و واژه‌های دخیل عربی در فارسی، با این علامت به کار رفته‌اند؛ مانند اتفاقاً، غالباً، کاملاً، مضافاً. نکته جالب آنکه در همان زبان عربی هم کلمه‌های غیرمنصرف (از جمله صفت بر وزن افعال) تنوین نمی‌گیرد، ولی فارسی‌زبانان واژه‌های «اقلاً» و «اکثراً» را در زبان فارسی به کار برده‌اند که می‌توان به‌جای آنها واژه‌های «حداقل» و «حداکثر» را به کار برد (نیکوبخت، ۱۳۸۵).

در نثر فارسی امروز، برخی قیده‌های عربی و به‌ویژه قیده‌های تنوین‌دار، زیاد به کار می‌روند؛ نمونه قیده‌های عربی: علی ایّ حال، بالاخص، علی‌الخصوص، علی‌الاصول، علی‌الحساب، فی‌نفسه، بالذات، بالطبع، فی‌الفور، فی‌الحال.

در این حوزه به‌خصوص، کاربرد تنوین برای واژه‌های فارسی بسیار نادرست است؛ مثل زبانا، دوماً، جانا، ناچاراً، خواهشاً، نژاداً، گاهاً.

بهتر است از کاربرد قیده‌های عربی و نیز تنوین‌دار - به‌ویژه با استفاده از واژه‌های فارسی - بپرهیزیم و از معادل‌های فارسی آنها استفاده کنیم (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۰۳-۲۰۴؛ نجفی، «تنوین قیدساز»).

۵-۶. کاربردهای نادرست در حوزه حروف

در این بخش، استفاده نادرست از برخی حروف در متون نثر دوره قاجار، درخور توجه است که دو نمونه از آن را بدین شرح برمی‌شمیریم:

۵-۶-۱. آوردن «را» نشانه مفعول در میان اجزای سازنده فعل مرکب

در نثر دوران قاجار، این‌گونه کاربرد به صورتی گسترده دیده می‌شود؛ مثل:

- مدّاحی یوسف شاعر را می‌نموده (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۰۶/۱).

- ملاحظه تهیّه رفقا را نمودم (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۹).

- اگر خلاف این امر را بکنی، مغضوب می‌شوند (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۱۵).

- این اطمینان را به هیچ‌کس ندهید (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۶۹).

- پس شما دعوای کدام شرف نفس را می‌کنید (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۹۰).

به طور کلی، استفاده از نشانه مفعول در میان اجزای سازنده فعل مرکب، نادرست است (نیکوبخت، ۱۳۸۵: ۷۹). این‌گونه کاربرد نادرست، زمانی اتفاق می‌افتد که اجزای فعل مرکب از یکدیگر دور می‌شوند؛ مانند:

- باید سختی‌های زیادی را بکشی تا به کام‌یابی دست یابی.

- تلفنت را که زدی، گوشی را بگذار.

- تقاضای انتقال به تهران را دارم (نیکوبخت، ۱۳۸۵: ۸۱).

- کشاورز باید خون دل‌های زیادی را بخورد تا درختی را به ثمر بنشاند (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۶۱).

۶-۵-۲. آوردن «اگرچه» با «اما» و حروف مانند آن در جمله

هرگاه در جمله‌ای از «اگرچه» و مترادف‌های آن استفاده شود، نباید در جمله مکمل، «ولی» و مترادف‌هایش را آورد (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۶۱؛ نجفی، «اگرچه... ولی...»). در نشر قاجار، این گونه کاربرد نادرست، زیاد دیده می‌شود؛ مثل:

- اگرچه آقاخان از این جنگ شکسته برفت، لکن از اندیشه خویش باز نداشته در تجهیز لشکر و اعداد کار روزگار برد (سپهر، ۱۳۷۷: ۷۵۹/۲).

- گرچه معروف است به طبیب، ولی جوانی است ادیب (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۱۹۷/۲).

نمونه‌هایی از این گونه کاربرد در نشر فارسی امروز:

- اگرچه چرخه تولید در این کارخانه طولانی است، اما کیفیت کالا برتر است.

- اگرچه می‌دانست نباید برود، اما رفت و عاقبت آن را دید (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۹۶).

۶-۶. کاربردهای نادرست در حوزه مصدرها

در این بخش، اشکال‌های نگارشی زیر در نشر دوره قاجار دیده می‌شود:

۶-۶-۱. ساختن مصدرهای صناعی با استفاده از پسوند «یت»

چند مثال از کاربرد مصدرهای صناعی در نشرهای قاجار:

مسلمیت (هدایت، ۱۳۸۲: ۷۲۷/۱)، جامعیت (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۱۹۸/۲)، رفاهیت (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۸)، مرهونیت (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۸۹).

مصدر صناعی در زبان عربی، از انواع اسم به اضافه پسوند «یت» ساخته می‌شود؛ مثل: حاکمیت، ممنوعیت، اعلیت، انسانیت، مصدريت، عثمانیت، مرجعیت. در زبان فارسی باید به جای این پسوندها، از مصدر «بودن» پس از این اسم‌ها استفاده کرد؛ مثل: حاکم بودن، ممنوع بودن (نیکویخت، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳). پسوند «یت» را نباید با واژه‌های فارسی به کار برد و در واژه‌های عربی هم بهتر است با فارسی برابرسازی شود. نمونه‌هایی از مصدر صناعی در نشر فارسی امروز: دوئیت، منیت، آشنائیت، ایرانیت،

رهبریت، بربریت، جامعیت، ممنوعیت، مرجعیت (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۰۴-۲۰۵).

۶-۲. استفاده خیلی زیاد از مصدرهای گوناگون عربی

مصدرهای عربی، اعم از ثلاثی مجرد و مزید، در نثرهای قاجار بسیار زیاد به کار رفته‌اند و این مسئله بسامد کاربرد واژه‌های عربی را در متن، افزایش داده است؛ مثل:

تتبع (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۰۶/۱)، اهتزاز (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۵۶۸/۱)، اُکل (تبریزی، ۱۳۵۶: ۸۹)، انبات: رویانیدن (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۳۳)، قُعود (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۲۶)، استعجاب (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۲۸)، منادمت (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۹۴/۲)، سفاهت (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۹۹۴/۲)، صباغت (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۱۲۳/۲)، مواصلت و مصاهرت (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۶۶/۱)، مسكنت (سپهر، ۱۳۷۷: ۵۹۲/۲)، شیخوخت (سپهر، ۱۳۷۷: ۶۳۷/۲)، تسويف (سپهر، ۱۳۷۷: ۶۶۷/۲)، مراده و مکاتبه و مقاوله (سپهر، ۱۳۷۷: ۸۴۸/۲)، تمويه و تعمیه (سپهر، ۱۳۷۷: ۹۴۹/۳).

نمونه‌های بسیاری از کاربرد مصدرهای گوناگون عربی را در نثر فارسی امروز نیز می‌توان دید که بهتر است به جای آنها از معادل‌های فارسی استفاده شود.

۶-۷. کاربردهای نادرست در حوزه صفت‌ها

در این حوزه، مهم‌ترین اشکال در نثر قاجار، عبارت است از مطابقت صفت و موصوف در تعداد و جنس، و استفاده از صفت مفرد مؤنث برای موصوف مفرد و جمع مؤنث و نیز جمع مکسر به تأثیر از زبان عربی. در این بخش، استفاده از صفت‌های مفرد مؤنث برای واژه‌های فارسی که به «ه» ختم می‌شوند، بسیار جالب توجه است؛ مثل:

مائه ثانیه (هدایت، ۱۳۸۲: ۷۲۷/۱)، صفات حَسَنه (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۷۵/۱)، فُصحای شعرا (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۰۶۳/۱)، اعتراضات بارده غیروارده (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۳۵۵/۱)، قصیده ثالْثه (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۳۵۵/۱)، علوم ادبیه (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۵۶۷/۱)، قصیده فریده (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۵۶۷/۱)، مشاهیر شعرا (هدایت، ۱۳۸۲: ۹۷۲/۲)، مجالس و محافل اعالی و اسافل (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۱۹۸/۲)، ملاحظه دقیقّه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۸)، شیوه ممدوحه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۵۸)، ألواح مقدسه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۱۵)، امراض مهلکه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۵۷)، هیئت موثوقه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۶۹)، مقامات عالیّه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۸۹)، دولت مظلومه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۸۹).

۱۸۹)، ارواح جاهله و نفوس کاهله (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۹۰)، قوم ضالّه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۱۹۰)، حرکات شاقّه (تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۲۸)، دولت علیّه، دربار عثمانیه (سپهر، ۱۳۷۷: ۸۱۶/۲)، سلاطین قاجاریه (سپهر، ۱۳۷۷: ۹۲۵/۳)، قبه مطهره (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۰۵۰/۳)، ممالک محروسه (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۲۶۱/۳)، دولتین علیّتین (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۲۶۲/۳)، عهدنامه دوستی و تجارتی حاضره (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۲۶۲/۳).

این گونه کاربردها نوعی گرده برداری [گرده برداری] نحوی است که به تأثیر از زبان عربی صورت گرفته (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۰۴) و چون سبب افزایش نفوذ زبان عربی در ساختار دستوری زبان فارسی می شود، نادرست است.

درباره مطابقت صفت و موصوف در زبان فارسی می توان دو کار انجام داد: یکی آنکه به جای صفت های عربی، معادل های فارسی به کار ببریم؛ مثل: قوه ناطقه: قوه گویایی. دیگر آنکه علامت تأنیث را از پایان صفت عربی برداریم؛ مثل: قاعده معموله: قاعده معمول. درباره صفت مفرد مؤنث برای موصوف جمع مکسر هم می توان به همین صورت عمل کرد؛ مثل اصول موضوعه: اصول وضع شده یا مقامات عالیّه: مقامات عالی. نکته بسیار مهم آن است که باید از به کار بردن صفت مؤنث برای موصوف های فارسی، خودداری کرد؛ مثل: بانوی محترمه، همشیره مکرّمه، درآمد حاصله، آمار منتشره (ارژنگ، ۱۳۸۹: ۶۷-۶۹).

نمونه هایی دیگر از این گونه گرده برداری در نشر فارسی امروز: قوانین منسوخه، نامه واصله، متون قدیمه، پرونده مختومه، خانم لیسانسه، کاغذ باطله، علوم مختلفه (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۰۴).

۷. نتیجه گیری

پس از بررسی چهار متن برگزیده از میان نشرهای دوره قاجار، در این بخش کوشیده ایم تا مهم ترین اشکال های نگارشی و ویرایشی این آثار را - که در نشر فارسی امروز ادامه یافته است - دسته بندی کنیم. مهم ترین مشکلات نگارش عصر قاجار را در این حوزه ها می توان طرح است:

الف) کاربردهای نادرست در حوزه فعل: مهم ترین و متنوع ترین اشکال های نگارشی

در نثر این دوران، در حوزه فعل روی داده است که می‌شود آنها را بدین صورت دسته‌بندی کرد:

- فاصله افتادن میان اجزای تشکیل‌دهنده فعل مرکب که سبب بروز اشکال در درک پیام و نیز کاربرد نادرست «را» نشانه مفعول می‌شود؛

- حذف همکردهای فعلی و فعل‌های ربطی و معین و تام بدون قرینه؛

- استفاده از فعل مرکب به جای فعل ساده معادل آن، که موجب استفاده از واژه‌های عربی به جای واژه‌های فارسی و کاربرد بسیار نادرست برخی همکردهای فعلی می‌شود؛
- کاربرد نامناسب و گاه قالبی و متناقض و نادرست همکردهای فعلی سازنده فعل مرکب؛

- کاربرد بسیار گسترده و نادرست وجه (فعل) وصفی در نثر، که سبب بروز دو اشکال عمده می‌شود: یکی حذف فعل معین بدون قرینه و دیگری ناهماهنگ بودن زمان فعل‌ها.

ب) کاربردهای نادرست در حوزه نشانه‌های مثنی و جمع: در این بخش، استفاده از نشانه‌های مثنی (ین) و جمع عربی (ات، ین، ون) و نیز جمع مکسر - حتی برای واژه‌های فارسی - بسیار رایج است و نفوذ گسترده زبان عربی را در نثر این دوره نشان می‌دهد.

ج) کاربردهای نادرست در حوزه واژه‌ها و ترکیبات و جمله‌ها: در این قسمت، دو اشکال عمده به شرح زیر دیده می‌شود:

- حشو یعنی کاربرد واژه‌ها و عبارت‌ها و حتی جمله‌های زاید در نثر؛

- استفاده زیاد از واژه‌ها، ترکیبات، عبارت‌ها، و جمله‌های عربی در نثر.

د) کاربردهای نادرست در حوزه قیدها: مهم‌ترین اشکال نثرهای قاجار در این حوزه، استفاده فراوان از قیدهای عربی - به‌ویژه از نوع تنوین‌دار - است.

ه) کاربردهای نادرست در حوزه حروف: در این بخش، دو اشکال عمده در نثرهای قاجار دیده می‌شود:

- آوردن «را» نشانه مفعول در میان اجزای سازنده فعل مرکب؛

- آوردن «اگرچه» با «اما» و حروف مانند آن در جمله.

و) کاربردهای نادرست در حوزه مصدرها: در این بخش، اشکال‌هایی به شرح زیر در نثر قاجار دیده می‌شود:

- ساختن مصدرهای صناعی با استفاده از پسوند «یت»:

- استفاده خیلی زیاد از مصدرهای گوناگون عربی.

ز) کاربردهای نادرست در حوزه صفت‌ها: در این بخش، مهم‌ترین اشکال در نثر قاجار، عبارت است از مطابقت صفت و موصوف در تعداد و جنس، و استفاده از صفت مفرد مؤنث برای موصوف مفرد و جمع مؤنث، و نیز جمع مکسر به تأثیر از زبان عربی. در این حوزه، استفاده از صفت‌های مفرد مؤنث برای واژه‌های فارسی که به «ه» ختم می‌شوند، بسیار جالب توجه است.

متأسفانه تمام اشکال‌هایی که برشمردیم، کمابیش در نثر فارسی امروز به روشنی نمایان‌اند و در بیشتر موارد، نفوذ و تأثیر زبان عربی را بر زبان فارسی نشان می‌دهد؛ بنابراین، بسیار بجا و شایسته خواهد بود که نویسندگان حوزه‌های مختلف علوم، دقت کنند تا این اشکال‌ها به نوشته‌هایشان راه نیابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نگاه کنید به بخش استفاده نادرست از برخی حروف، آوردن «را» نشانه مفعول میان اجزای سازنده فعل مرکب.

۲. در این بخش، عناصر حذف‌شده داخل پرانتز قرار گرفته‌اند.

۳. حذف نابجای فعل در این جمله، سبب ایجاد ابهام در معنی شده است؛ گویی منظور گوینده، آن است که خانه بسیار کوچک نیست.

۴. شکل درست کاربردها داخل قلاب آمده است.

۵. در این قسمت، شکل درست فعل‌ها داخل قلاب نوشته شده است.

۶. در این بخش، زیر قسمت‌های زاید، خط کشیده‌ایم.

۷. شکل درست: روند تخریب چوب، ادامه می‌یابد.

منابع

- آرین پور، یحیی (۱۳۸۷)، *از صبا تا نیما: تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی*، تهران، زوآر.
- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۹)، *ویرایش زبانی: برای زبان نوشتاری فارسی امروز*، تهران، قطره.
- انوری، حسن (۱۳۴۵)، *فرهنگ درست‌نویسی*، تهران، سخن.
- «بررسی ویژگی‌های نثر دوره قاجار» (۱۳۷۷)، *روزنامه سلام*، دوم مهر، ص ۱۳.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۵)، *سبک‌شناسی: تاریخ تطوّر نثر فارسی*، به کوشش سید ابوالقاسم میرعابدینی، تهران، توس.
- پارسی‌نژاد، کامران (۱۳۸۰)، «سیری در عصر قاجار و تحوّل نثر فارسی»، *روزنامه جام‌جم*، هشتم دی، ص ۶.
- تبریزی، عبدالرحیم بن شیخ ابوطالب نجّار (۱۳۵۶)، *مسالك المحسنين*، مقدمه و حواشی باقر مؤمنی، تهران، شبگیر.
- تسوجی تبریزی، عبداللطیف (۱۳۸۳)، *هزار و یک شب*، تهران، هرمس.
- جهان‌گرد، فرانک (۱۳۸۴)، «تحوّل نثر فارسی در دوره قاجار»، *رساله دکتری*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- حاج‌بابایی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *سیری در نثر فارسی از آغاز تا دوران قاجار*، تهران، نگاه امروز و اندیشه خوارزمی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷)، *راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی*، تهران، علم.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷)، *ناسخ التواریخ: تاریخ قاجاریه*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر.
- سمیعی، احمد (۱۳۸۳)، *نگارش و ویرایش*، تهران، سمت.
- سنایی، فریده (۱۳۸۵)، «سیمای جامعه در نثر دوره قاجار»، *رساله دکتری*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- سنایی، فریده (۱۳۸۶)، «بازتاب جایگاه اجتماعی زن عصر قاجار در نشر آن دوره»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۲-۱۸۳، ص ۷۱-۹۳.
- عاملی، مریم (۱۳۸۸)، *سفر دانه به گل: سیر تحوّل جایگاه زن در نثر دوره قاجار (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۰ ق.)*، تهران، نشر تاریخ ایران.
- غلام‌حسین‌زاده، غلام‌حسین (۱۳۸۶)، *راهنمای ویرایش*، تهران، سمت.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۴)، *دستور خط فارسی: مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، آثار.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۹)، *غلط‌نویسیم: فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، *در مکتب استاد*، تهران، عطایی.
- نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۵)، *مبانی درست‌نویسی زبان فارسی معیار*، تهران، چشمه.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۲)، *مجمع الفصحا*، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر.